

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۸، شماره ۲، پیاپی ۱۲ (پاییز و زمستان ۱۴۰۲) شماره صفحات: ۱۸۵ - ۲۱۵

توصیف دستگاه واجی گویش بوالخیری به روش IPA

سهراب غلامی^{۱*}، فرخ حاجیانی^۲

۱. کارشناس ارشد زبان‌های باستان ایران، دانشگاه شیراز، فارس، ایران.
۲. استاد گروه زبان‌های باستان ایران، دانشگاه شیراز، فارس، ایران.

چکیده

شهرستان تنگستان استان بوشهر، دارای دو بخش مرکزی و دلوار است. روستای بوالخیر، مرکز دهستان بوالخیر از بخش دلوار است. گویش بوالخیری گونه‌ای از گویش تنگسیری (تنگستانی) است. در این مقاله به توصیف و بررسی دستگاه واجی این گویش پرداخته می‌شود. برای برپایی شالوده این پژوهش (پیکره زبانی)، از روش مصاحبه با گویشوران، ضبط گفتار و آوانگاری فایل‌های صوتی آن‌ها استفاده می‌شود. روش انجام این پژوهش ترکیبی از روش‌های میدانی و توصیفی - تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای است و داده‌های مورد نیاز از همین روش‌ها و به کمک الفبای آوانگاری بین‌المللی (IPA) به ترتیب، جمع‌آوری، بررسی و توصیف می‌شوند. در این پژوهش واج‌آرایی، توزیع و ویژگی‌های همخوان‌ها و واکه‌ها، فرایندهای واجی و ساختمان هجا بررسی و واکاوی می‌شود. بر اساس شواهد به دست آمده، این گویش ۲۵ همخوان و ۹ واکه (۶ ساده و ۳ مرکب) دارد. همخوان‌های این گویش همگی از نوع ششی هستند. این گویش، دو همخوان /w, ɲ/ را بیش‌تر از فارسی معیار دارد. ساختمان هجا در این گویش به سه دسته (سبک، سنگین، فوق سنگین) از نظر وزن هجا تقسیم می‌شود. برای اجماع انواع هجاها و آرایش واجی در این گویش می‌توان فرمول کلی (c(c)(:cv) را بیان کرد. در این گویش همه هجاها با همخوان آغاز می‌شوند، خوشه آغازین وجود ندارد و واژگان همانند فارسی معیار به بیش‌تر از دو همخوان ختم نمی‌شوند. فرایندهای واجی همگونی، ناهمگونی، حذف، افزایش، قلب و ابدال در این گویش دیده می‌شوند و از پرتکرارترین آن‌ها می‌توان به ابدال و حذف اشاره کرد که گاهی به صورت توأمان دیده می‌شوند.

واژه‌های کلیدی:

گویش تنگسیری
گویش بوالخیری
واج‌آرایی
جفت کمینه
واکه
همخوان

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۵ شهریورماه ۱۴۰۲
پذیرش: ۱۳ مهرماه ۱۴۰۲

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: sohrabgholami1990@gmail.com

شهرستان تنگستان از جمله مناطق استان بوشهر است که از لحاظ گویش‌شناسی، تنوع گویشی و لهجه‌ای و اصالت واژگان درخور توجه است. بوالخیر یکی از دهستان‌های بخش دلوار شهرستان تنگستان و مرکز آن روستای بوالخیر است. این آبادی کرانه‌ای در موقعیت جغرافیایی ۵۱ درجه و ۵ دقیقه و ۴۲ ثانیه طول شرقی و ۲۸ درجه و ۳۲ دقیقه و ۱۰ ثانیه عرض شمالی واقع شده است و ارتفاع نسبی آن از سطح دریا ۱۰ متر است. دهستان بوالخیر از شمال به دهستان دلوار، از جنوب و شرق به شهرستان دشتی، مهد علم و ادب، و از غرب به خلیج فارس محدود می‌شود. مردم این روستا به گویش بوالخیری صحبت می‌کنند.

امروزه بنا به دلایل مختلف، سرعت نابودی گویش‌ها صدچندان شده است؛ از این رو، ثبت و ضبط این گونه‌های زبانی به شیوه‌های علمی و القای اهمیت بالای حفظ آن‌ها، خصوصاً برای میراث‌داران این گویش‌ها بسیار حائز اهمیت است. مطالعه و بررسی زبان به روش‌های علمی را زبان‌شناسان به عهده دارند. در پژوهش حاضر، واج‌آرایی، توزیع و ویژگی‌های همخوان‌ها و واکه‌ها، فرایندهای واجی و ساختمان هجا، واکاوی می‌شود. با پشتوانه این موارد، هم تحلیل آوایی صورت‌گرفته و هم بخشی از واژگان برگزیده آن به عنوان نمونه پژوهش آورده می‌شوند تا کسانی که مایل‌اند، نمونه گویش را در دسترس داشته باشند. با گسترش آموزش همگانی، وجود رسانه‌های گروهی، با سوادشدن مردم روستاها و مهاجرت آن‌ها به شهرها کم‌کم زبان رسمی، جایگزین گونه‌های گویش تنگسیری می‌شود و دیری نمی‌گذرد که گویش بوالخیری از بین خواهد رفت؛ اما می‌توان با پژوهش و مستندسازی‌های علمی، این گویش و سایر گویش‌ها را از خطر نابودی نجات داد. امید است بتوان در این راه بزرگ، گامی هر چند کوچک برداشت.

گویش بوالخیری یکی از گویش‌های ایرانی نو و از گروه گویش‌های جنوبی ایران است که ویژگی‌های آوایی آن نشان می‌دهد که به شاخه زبان‌های ایرانی جنوب غربی تعلق دارد. از ویژگی‌های برجسته این مناطق حفظ و حراست از گویش‌های قدیمی است. ساکنان و بومیان این مناطق، گونه‌های گویشی منحصر به فرد خود را دارند و با وجود موقعیت خاص و تعامل با سایر فرهنگ‌ها و گویش‌ها، همچنان اصالت خود را حفظ کرده و کم‌تر دچار تغییر و تحول شده‌اند. هرچند روستاهای این منطقه از هم فاصله چندانی ندارند و از قدیم باهم در تعامل بوده‌اند؛ اما می‌توان گفت برخی از روستاهای نزدیک نیز در آنجا تفاوت‌های لهجه‌ای دارند، تا آنجا که می‌توان مدعی شد به تعداد این روستاها، گونه‌های گویش تنگسیری وجود دارند. گویش تنگسیری قرابت زیادی با گویش‌های دشتی، لرستانی، کرمانی، لارستانی، شیرازی و کازرونی دارد و اصطلاحات و لغات زبان پهلوی ساسانی (فارسی میانه) نیز به وفور در این گویش یافت می‌شوند.

۲. پیشینه پژوهش

زنده‌بودی (۱۳۸۳)، از پژوهشگران بومی تنگستان، گوشه‌هایی از فرهنگ و ادب عامه تنگسیر و برخی اصطلاحات و لغات و مختصری دستور را بررسی می‌کند که می‌توان از آن‌ها واژگانی را استخراج کرد که در گویش و آداب و رسوم آن‌جا، کاربرد فراوان دارند. واحدی لنگرودی و ممسنی (۱۳۸۳) به بررسی نظام ضمائر شخصی، در گویش دلواری می‌پردازند و با مقایسه گونه‌های متصل و آزاد ضمائر شخصی، به تشریح توزیع و رفتار این ضمائر پرداخته‌اند. محدوده جغرافیایی این پژوهش، دلوار بیان شده است. یزدان‌شناس (۱۳۸۴) به بررسی زبان‌شناختی گویش تنگستانی پرداخته است. او از گویشورانی با جغرافیای پراکنده (محموداحمدی، قباگلکی، دلوار و خائیز) استفاده کرده است. کرد زعفرانلو و ممسنی (۱۳۸۵) به توصیف و بررسی دستگاه واجی گویش دلواری پرداخته‌اند. آن‌ها در این پژوهش ۳۲ واج (شامل ۲۳ همخوان و ۹ واکه) را شناسایی و توصیف کرده‌اند؛ محدوده جغرافیایی این پژوهش، دلوار بیان شده است.

حاجیانی (۱۳۸۷)، به توصیف و بررسی دستگاه واجی گویش تنگستان پرداخته است. وی در این پژوهش ۳۱ واج (شامل ۲۲ همخوان و ۹ واکه) را شناسایی و توصیف کرده است؛ محدوده جغرافیایی این پژوهش، روستاهای دهستان اهرم تا دهستان دلوار بیان شده است. خلیلی (۱۳۹۰) به صورت توصیفی - در زمانی دستگاه واجی و صرف اسم و فعل در گویش تنگسیری را بررسی می‌کند. پورابراهیم و واحدی لنگرودی (۱۳۹۲) دستگاه فعل، در گویش دلواری را توصیف می‌کنند؛ محدوده جغرافیایی این پژوهش دلوار بیان شده است. نعمتی و نوروزی (۱۳۹۴) به توصیف کاربردهای نحوی و معنایی حرف اضافه «سی» در گویش دلواری (از گونه‌های گویش تنگستانی) و بررسی پیشینه تاریخی آن پرداخته‌اند. باباسالاری و همکاران (۱۳۹۸) به شناسایی واژه‌بست‌ها در گویش تنگستانی پرداخته‌اند.

آن‌چه از پژوهش‌های گویش‌شناسی برداشت می‌شود، می‌توان گفت به تدریج زبان فارسی معیار جایگزین زبان‌ها و گویش‌های محلی می‌شود؛ لذا بر آن شدیم تا در این زمینه پژوهشی انجام داده و در القای اهمیت حفظ اصالت این زبان‌ها و گویش‌های محلی، نقشی هرچند ناچیز را ایفا کنیم. از این میان، کم‌تر پژوهش علمی در زمینه گویش تنگسیری، به ویژه در محدوده دهستان بوالخیر، صورت گرفته است؛ لذا در این پژوهش به طور ویژه به بررسی دستگاه واجی در گویش بوالخیری پرداخته می‌شود.

۳. چارچوب نظری پژوهش

شالوده پژوهش حاضر برای استخراج جفت‌های کمینه و واج‌ها در گویش بوالخیری، بر پایه نظریه مکتب پراگ بنا نهاده شده است. مطابق این نظریه، واج دارای واقعیت زبانی است و با توجه به نقش‌اش در یک زبان خاص تعریف می‌شود (هایمن، ۱۳۶۸: ۱۱۲). در این پژوهش با واکاوی در پیکره زبانی گردآوری‌شده، ویژگی‌های زنجیری (ساخت واجی، آواشناختی، ساخت هجایی و فرایندهای هجایی) موجود در گویش بوالخیری به روش

IPA بررسی می‌شوند. IPA روشی تثبیت‌شده برای نمایش آوای زبان است که از سال ۱۸۸۶ طراحی آن توسط یسپرسن^۱ شروع و در طول زمان تکمیل شد. این نظام به گونه‌ای طراحی شده است که کاربرد آن آسان و در عین حال آن قدر جامع باشد که بتواند همه آوای زبان‌های جهان را نشان دهد و به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد که بتواند گونه‌های مختلف یک آوا را نشان دهد. IPA بر اساس الفبای رومی بنا نهاده شده است تا برای اکثر مردم جهان آشنا باشد (علی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۹).

مطابق دیدگاه مکتب پراگ، واج‌ها آوایی هستند که در یک گویش خاص، بر اثر تغییر در محور جانشینی، تفاوت معنایی ایجاد شود. آوای گویش بوالخیری، همچون هر زبان یا گویش دیگر در دنیا در اولین مرحله به دو گروه «همخوان و واکه» دسته‌بندی می‌شوند. در ادامه با استخراج «جفت‌های کمینه» در جایگاه‌های مختلف واژگان، با یک ترتیب خاص به بررسی هر گروه پرداخته می‌شود.

داده‌های تحقیق، که در واقع اساس تشکیل پیکره زبانی هستند، با استفاده از دستگاه ضبط صوت (برای ضبط صدای گویشوران)، رایانه، گوشی هوشمند و نرم‌افزارهای کاربردی ویرایش فایل‌های صوتی و تصویری، کتب، مقالات و مجلات مرتبط (جهت آوانگاری صداهای ضبط‌شده گویشوران) تهیه شده‌اند. برخی از منابع، به دلیل تاثیرپذیری بیش‌تر خانم‌ها از گونه‌های گویش معیار، انتخاب گویشوران مرد را توصیه می‌کنند؛ اما در رابطه با گویش بوالخیری، شاید این مورد کمتر صدق کند؛ چه بسا گویش بانوان نسبت به مردان (به دلیل شغل اکثر مردان آن منطقه و ارتباطات دریایی و تجاری با سایر مناطق داخلی و خارجی)، از اصالت بیش‌تری برخوردار باشد. چنانچه در طول مصاحبه با گویشوران مختلف زن و مرد، این مورد محسوس بود.

داده‌های حاصل از گردآوری پیکره زبانی را باید براساس چارچوبی مشخص واکاوی و طبقه‌بندی کرد و نتیجه این واکاوی را جهت تدوین راهنمایی برای گویش مدنظر به کار بست. غلامی (۱۴۰۰) نظام آوایی گویش بوالخیری را به طور کامل بررسی کرده است که از نتایج آن در تکمیل پیکره زبانی این پژوهش استفاده شده است. در این پژوهش، استخراج ویژگی‌های اصلی دستگاه واجی گویش بوالخیری به روش IPA و با استفاده از کتاب‌های *مبانی واج‌شناسی اثر بتول علی‌نژاد (۱۳۹۸)*، *آوانگاری زبان فارسی اثر یدالله ثمره (۱۳۶۴)*، *آوانگاری اثر علی‌محمد حق‌شناس (۱۳۸۰)* و *درآمدی به آوانگاری اثر لطف‌الله یارمحمدی (۱۳۶۴)* صورت گرفته است.

۳-۱. روش‌شناسی پژوهش

به صورت کلی، روش انجام این پژوهش ترکیبی از روش‌های میدانی و توصیفی - تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای است. داده‌های مورد نیاز نیز از همین روش‌ها به ترتیب جمع‌آوری، بررسی و توصیف می‌شوند. مراحل کلی اجرای پژوهش حاضر، به این صورت است:

¹ O. Jespersen

۱. انتخاب گویشوران مطلوب، اصیل و بومی منطقه (بر اساس راهنمای گردآوری گویش‌های ایرانی، ۱۳۹۹).
۲. مصاحبه با گویشوران منتخب و ضبط گفتار آن‌ها، با رویکرد دستیابی به خواسته‌های پژوهش.
۳. آوانگاری و ترجمه متون زبانی ضبط شده (تکمیل پیکره زبانی).
۴. واکاوی پیکره زبانی و دستیابی به اهداف پژوهش.

۳-۱-۱. گزینش گویشوران مورد مطالعه

در این پژوهش، ۹ گویشور مطلوب و متعدد زن و مرد بین ۳۰ تا ۷۰ سال و در دسترس انتخاب شده‌اند که اکثر آن‌ها، بالای ۶۰ سال و فاقد سواد خواندن و نوشتن هستند. اسامی و مشخصات گویشوران در بخش پیوست‌ها آورده شده است.

۳-۱-۲. نحوه گردآوری پیکره زبانی

گردآوری پیکره زبانی، نخستین و اساسی‌ترین کار برای بررسی هر زبان، گویش و لهجه مورد پژوهش است. به کمک پیکره زبانی، پژوهشگر، بررسی و توصیف علمی گویش یا لهجه مورد نظر را مطابق با اصول زبان‌شناسی، با درصد خطای کم و به نحو مطلوب انجام خواهد داد. شایان ذکر است، بخش گردآوری پیکره زبانی پژوهش، بر اساس کتاب جدید فرهنگستان زبان و ادب فارسی تحت عنوان *راهنمای گردآوری گویش‌های ایرانی* تنظیم شده است. برای تهیه شالوده این پژوهش و دستیابی به مجموعه متن‌های گفتاری آوانگاری شده (پیکره زبانی)، از روش مصاحبه با گویشوران، ضبط گفتار آن‌ها و آوانگاری فایل‌های صوتی به روش IPA استفاده شده است. مصاحبه با گویشوران، در شرایط حاد بیماری کرونا در روستای بوالخیر، صورت گرفت.

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش به روش IPA ویژگی‌های واج‌های گویش بوالخیری واکاوی، استخراج و ثبت و ضبط شده‌اند. واج‌ها، آواهایی هستند که در یک گویش خاص، بر اثر تغییر در محور جانشینی، تفاوت معنایی ایجاد شود. آواهای گویش بوالخیری، همچون هر زبان یا گویش دیگری در دنیا، در اولین مرحله بررسی به ۲ گروه همخوان و واکه دسته‌بندی می‌شوند.

۴-۱. واکاوی آواشناختی و واج‌شناختی

در ادامه (در جایگاه‌های مختلف از واژگان) با استخراج جفت‌های کمینه، با یک ترتیب خاص به بررسی هر گروه از واج‌ها پرداخته شده است.

۴-۱-۱. همخوان‌ها (صامت‌ها)

همخوان‌های گویش بوالخیری، همگی از نوع ششی هستند. گویش بوالخیری به طور کلی ۲۵ همخوان دارد که عبارتند از:

/p, b, t, d, k, g, f, v, s, z, ʃ, ʒ, tʃ, dʒ, χ, ʁ, m, n, ŋ, l, r, w, j, h, ʔ/

۴-۱-۱. همخوان‌های انسدادی (انفجاری)

در گویش بوالخیری، همخوان‌های انسدادی عبارتند از: /p, b, t, d, k, g, ʔ/

- در ادامه به بررسی این همخوان‌ها پرداخته می‌شود:

/p/ همخوان انسدادی دولبی بی‌واک

/pors/	/piʃpirir/	/gap/
سوال، پرسش	سه روز قبل	گپ، صحبت

جفت‌های کمینه:

/pɒr/	سال قبل	/bɒr/	بار	/p/- /b/
/sepɒ/	سپاه	/serɒ/	حیاط	/p/- /r/
/gap/	گپ، سخن	/gaʃ/	گچ	/p/- /ʃ/
/bɒ/	بیاور	/nebe/	نباشد	/b/ همخوان انسدادی دولبی واکدار
		/dʒuɒb/	جواب	

جفت‌های کمینه:

/bɒ/	بیاور	/kɒ/	کجا	/b/- /k/
/ʔɒbi/	آبی	/ʔɒʃi/	آش فروشی	/b/- /ʃ/
/kɒb/	قاب	/kɒdʒ/	لوچ	/b/- /dʒ/

/torvak/	/pɒtil/	/got/	بزرگ	/t/ همخوان انسدادی لثوی بی‌واک
	نوعی دیگ			
	ترب			

جفت‌های کمینه:

/taʃ/	آتش	/tʃaʃ/	از حال رفتن	/t/- /ʃ/
/mitom/	می‌خواهم	/miʃom/	می‌روم	/t/- /ʃ/
/got/	بزرگ	/gor/	شعله کشیدن آتش	/t/- /r/
/dej/	مادر	/dandu/	دندان	/d/ همخوان انسدادی لثوی واکدار
		/kand/	قند	

جفت‌های کمینه:

/dɒʔɒ/ خواهر	/bɒʔɒ/ پدربزرگ	/d/- /b/
/bɒdi/ بادی	/bɒki/ بقیه	/d/- /k/
/bɒd/ باد	/bɒχ/ باغ	/d/- /χ/
/kela/ کلاه	/fekət/ فقط	[χa:k] خاک

جفت‌های کمینه:

/kom/ شکم	/som/ سم	/k/- /s/
/kɒkɒ/ برادر	/kɒlɒ/ کالا	/k/- /l/
/tʃɒk/ چاق	/tʃɒl/ سوراخ	/k/- /l/
/gɪru/ گران	/bigi/ بگیر	/dig/ دیروز

جفت‌های کمینه:

/gɪru/ گران	/hiru/ جنوب	/g/- /h/
/bigi/ بگیر	/biʃi/ بروی	/g/- /ʃ/
/dig/ دیروز	/dir/ دیر، دور	/g/- /r/

/ʔ/ همخوان انسدادی دولبی بی‌واک (این همخوان در جایگاه پایانی مشاهده نشد).

/ʔomru/ امروز	/zoʔu/ زبان
---------------	-------------

جفت‌های کمینه:

/kuʔi/ کدو	/kuti/ قوطی	/ʔ/- /t/
/bɒʔɒ/ پدربزرگ	/bɒlɒ/ بالا	/ʔ/- /l/

۴-۱-۱-۲. همخوان‌های سایشی

در گویش بوالخیری، همخوان‌های سایشی عبارتند از: /f, v, s, z, ʃ, ʒ, ʎ, χ, h/ در ادامه، به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود:

/f/ همخوان سایشی لب و دندانی بی‌واک

/foje/ فاید	/sefi/ سفید	/nosf/ نصف
-------------	-------------	------------

جفت‌های کمینه:

/fekət/ فقط	/sekat/ سَقَط	/f/- /s/
-------------	---------------	----------

/sefar/ سفر	/separ/ سپر	/f/- /p/
/tof/ آب دهان	/tol/ تپه	/f/- /l/
/vɒz/ باز	/hovɒ/ هوا	/tʃarv/ چرب
/v/ همخوان سایشی لب و دندان‌ی واکدار		
جفت‌های کمینه:		
/vel/ آزاد، رها	/tʃel/ عدد چهل	/v/- /tʃ/
/havde/ هفده	/hazde/ هجده	/v/- /ʒ/
/tʃarv/ چرب	/tʃarm/ چرم	/v/- /m/
/s/ همخوان سایشی لثوی بی‌واک		
/sorχ/ سرخ	/marse/ مدرسه	/tʃɒs/ نهار
جفت‌های کمینه:		
/sorχ/ سرخ	/morχ/ مرغ	/s/- /m/
/lɒsu/ ماده‌سگ	/lɒru/ لاغر	/s/- /r/
/tʃɒs/ نهار	/tʃɒr/ چهار	/s/- /r/
/z/ همخوان سایشی لثوی واکدار		
/zuni/ زانو	/merzeŋ/ مژه	/vɒz/ باز
جفت‌های کمینه:		
/zimi/ زمین	/kimi/ کمی	/z/- /k/
/ruzi/ روزی	/ruʔi/ منسوب به فلز روی	/z/- /ʔ/
/boz/ بز	/boj/ نفرین بد زدن، نفوس بد زدن	/z/- /j/
/f/ همخوان سایشی پسالثوی بی‌واک		
/fou/ شب	/fuft/ شش	/χaʃ/ خوش، خوشمزه
جفت‌های کمینه:		
/firi/ شیرین	/piri/ پیری	/f/- /p/
/mifom/ می‌روم	/mitom/ می‌خواهم	/f/- /t/
/χoʃ/ خودش	/χom/ خودم	/f/- /m/
/ʒ/ همخوان سایشی پسالثوی واکدار (این همخوان در جایگاه پایانی مشاهده نشد.)		

جفت‌های کمینه:

/moʃk/	موش	/χoʃk/	خشک	/m/-	/χ/
/nemɒ/	نما	/nevɒ/	نوا	/m/-	/v/
/barm/	برکهٔ آب، آبگیر	/bartʃ/	برق‌زدن، درخشیدن	/m/-	/tʃ/
/ner/		/χini/		/n/ همخوان خیشومی لثوی واکدار	
	نر		جوان		
			خونی		

جفت‌های کمینه:

/nu/	نان	/dʒu/	قشنگ، زیبا	/n/ -	/dʒ/
/zuni/	زانو	/zuri/	اجباری	/n/ -	/r/
/bon/	ته، ریشه	/botʃ/	پسر بچه، بچه	/n/-	/tʃ/

/ŋ/ همخوان خیشومی نرمکامی واکدار

(این همخوان در جایگاه آغازین، مشاهده نشد.)

/monʒe/	صحبت آهسته با جنبهٔ اعتراض	/χoronʒ/	ذغال گداخته
---------	----------------------------	----------	-------------

جفت‌های کمینه:

/tʃeŋ/	منقار	/tʃeʃ/	چشم	/ŋ/-	/ʃ/
/manʒ/	زنگ فلزات	/man/	واحدی از جرم	/ŋ/-	/n/
/neχaŋ/	مرغ جوان و کوچک	/neχan/	نخند	/ŋ/-	/n/

۴-۱-۱-۴. همخوان‌های ناسوده

در گویش بوالخیر، دو همخوان ناسودهٔ /w/ و /j/ کاربرد دارند:

/jevɒʃ/	آهسته	/hejɒr/	حیاط	/j/	همخوان ناسودهٔ کامی واکدار
---------	-------	---------	------	-----	----------------------------

جفت‌های کمینه: (همخوان /j/ در جایگاه پایانی دیده نشد.)

/jani/	یعنی	/mani/	معنی	/j/-	/m/
/mije/	می‌دهد	/mife/	می‌رود	/j/-	/ʃ/
/duwɒr/	دیوار	/suwɒd/	سواد	/w/ همخوان ناسودهٔ لبی نرمکامی واکدار	

همخوان /w/ در جایگاه آغازین و پایانی دیده نشد؛ آنچه گاهی در جایگاه پایانی دیده می‌شود، در واقع

واکهٔ مرکب /ou/ است که در جایگاه پایانی واژگان گویش بوالخیری کاربرد دارد.

جفت‌های کمینه:

/sowɒ/ فردا	/sodɒ/ صدا	/w/- /d/
/sowɒr/ سوار	/sohɒr/ فضول	/w/ - /h/

۴-۱-۵. همخوان‌های ناسوده کناری

در گویش بوالخیری فقط یک همخوان ناسوده کناری کاربرد دارد:

/l/ همخوان ناسوده کناری لثوی واکدار

/lɒsu/	/ketli/	/tʃoʔul/
سگ ماده	کتری	دم‌پخت

جفت‌های کمینه:

/lɒr/ لاغر	/pɒr/ سال گذشته	/l/- /p/
/gulu/ گوله، پستان حیوانات (گاو)	/guru/ گروه	/l/- /r/
/tʃel/ زیر بغل	/tʃeʃ/ چشم	/l/- /ʃ/

۴-۱-۶. همخوان‌های لرزشی

در گویش بوالخیری، فقط یک همخوان لرزشی کاربرد دارد:

/re/	[tʃe:re]	/χer/	/r/ همخوان لرزشی لثوی واکدار
نوعی دام توری، رفت	صدا زدن	گلو	

جفت‌های کمینه:

/ri/ رو، بالا	/ʃi/ زیر، شوهر	/r/- /ʃ/
[ka:re] بزغاله	[ka:le] قلعه	/r/- /l/
/suwɒr/ سوار	/suwɒd/ سواد	/r/- /d/

۴-۱-۷. همخوان‌های انسایشی

در گویش بوالخیری، دو همخوان انسایشی /tʃ/ و /dʒ/ کاربرد دارند:

/tʃeʃ/	/katʃtʃe/	/boʃtʃ/	/tʃ/ همخوان انسایشی پسالثوی بی‌واک
چشم	چانه	بچه (پسر)	

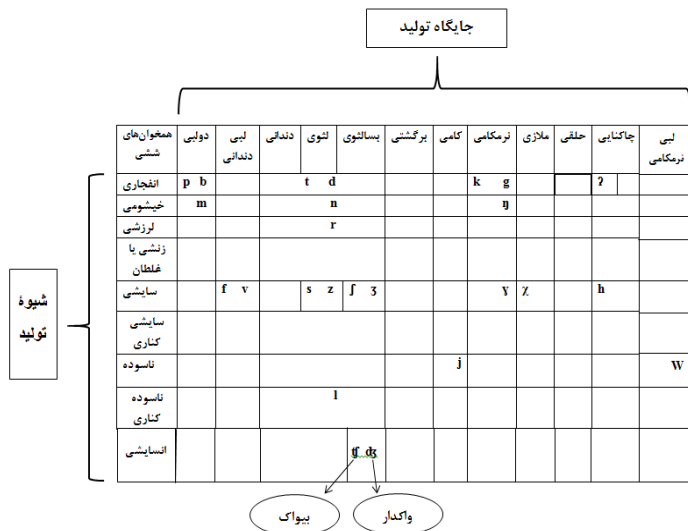
جفت‌های کمینه:

/tʃei/ چای	/mei/ ماهی	/tʃ/- /m/
/kiʃe/ کوچه	/kine/ دشمنی	/tʃ/- /n/
/moʃtʃ/ بوسه	/mɒs/ ماست	/tʃ/- /s/
/dʒɒfu/	/ʃardʒi/	/moudʒ/ همخوان انسایشی پسالثوی واکدار

ملوان موج هوای شرحی

جفت‌های کمینه:

قهر [dʒa:l] تلخ [ta:l] /dʒ/- /t/
 دو قسمت /dodʒɒ/ دوا، دارو /dovɒ/ /dʒ/- /v/
 موج /moudʒ/ موز /mouz/ /dʒ/- /z/



شکل ۱. همخوان‌های ششی گویش بوالخیری مطابق با جدول IPA

۴-۱-۲. واکه‌ها (مصوت‌ها)

گویش بوالخیری، دارای شش واکه ساده و سه واکه مرکب است. جهت شناسایی این واکه‌ها، از جفت‌های کمینه استفاده شده و از نظر دسته‌بندی، به روش کتاب مبانئ واجشناسی (علی‌نژاد، ۱۳۹۸) کار شده است. واکه‌ها در گویش بوالخیری در جایگاه آغازین قرار نمی‌گیرند.

۴-۱-۲-۱. واکه‌های اصلی اولیه (ساده)

در تولید واکه‌های ساده، شکل دهان و وضعیت زبان ثابت است و از ابتدا تا انتهای تولید واکه تغییر نمی‌کند. این واکه‌ها، رایج‌ترین واکه‌ها در زبان‌ها و گویش‌های جهان هستند (علی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۴۰). این واکه‌ها به دو دسته پیشین و پسین تقسیم می‌شوند.

الف. واکه‌های پیشین

اگر در تولید واکه، بخش میان زبان منقبض شود و به کام نزدیک شود، واکه‌های پیشین تولید می‌شوند. لازم به ذکر است که در این گویش واکه‌های پیشین، گرد نیستند. این واکه‌ها در گویش بوالخیری عبارتند از:

/i/ واکه پیشین بسته (افراشته) /χin/ /ti/ /dig/

جفت‌های کمینه:
 خون جلو، داخل، در دیروز

/ʔi/ این	/ʔu/ آن	/i-/ /u/
/bi/ بود	/be/ باشد	/i-/ /e/
/dir/ دیر، دور	/dɔr/ چوب	/i-/ /ɒ/
/heni/ چشم	/χe/ خورد	/tʃeʃ/ واژه پیشین نیم بسته
هنوز		

جفت‌های کمینه:

/re/ رفت، دام توری	/ri/ بالا، رو	/e-/ /i/
/ʔɔme/ عمه	/ʔɔmu/ عمو	/e-/ /u/
/ner/ نر	/nɔr/ انار	/e-/ /ɒ/
/mesak/ باید	/baʔa/ به سرعت	/dʒald/ واژه پیشین باز (افتاده)
ادراز، شاش		

جفت‌های کمینه:

[za:re] زهره، کیسه صفا	[zi:re] زیره	/a-/ /i/
/kela/ کلاه	/kelu/ دیوانه	/a-/ /u/
/ʃa/ شاید	/ʃi/ شوهر	/a-/ /i/

ب. واژه‌های پسین

اگر در تولید واکه، بخش پس زبان منقبض شود و به عقب دهان رانده شود، واژه‌های پسین تولید می‌شوند. لازم به ذکر است که در این گویش واژه‌های پسین، گرد هستند. این واژه‌ها در گویش بوالخیر عبارتند از:

/kulu/ زانو	/hiru/ جنوب	/zuni/ خمیدگی قامت	/u/ واژه پیشین بسته (افراشته)
-------------	-------------	--------------------	-------------------------------

جفت‌های کمینه:

/nu/ نان	/ni/ نیست	/u-/ /i/
/kul/ کتف	/kel/ پسر	/u-/ /e/ صوت شادی در عروسی، شانه،
/bu/ بو	/be/ باشد	/u-/ /e/
/noko/ نکن	/mo/ من	/ʔomɒ/ واژه پیشین نیم بسته
		اما

جفت‌های کمینه:

/ʔomru/ امروز	/ʔamru/ امرالله	/o/- /a/
[go:] گفت	[gi:] مدفوع	/o/- /i/
/som/ سُم	/sɒm/ به من	/o/- /ɒ/
/χɒlu/	/buʔɒ/	/ʔɒχo/
دایی	پدر	آخر

جفت‌های کمینه:

/kɒ/ کجا	/ke/ چه کسی	/ɒ/- /e/
[kɒ:n] کجا است؟	[ka:n] چه کسی است؟	/ɒ/- /a/
/dɒs/ داس	/das/ دست	/ɒ/- /a/

۴-۲-۱-۲. واکه‌های مرکب

در هنگام تولید واکه‌های مرکب، شکل دهان ثابت نیست و در حین تولید، حالت دهان تغییر می‌کند. واکه‌های مرکب به انواع دو واکه‌ای (واکه‌های دوتایی) و سه واکه‌ای (واکه‌های سه‌تایی) تقسیم می‌شوند (علی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۴۳).

در گویش بوالخیری، کلا سه واکهٔ مرکب دو تایی استخراج شده است که عبارتند از: /ei, oi, ou/ در ادامه، به شرح این واکه‌های مرکب دوتایی در گویش بوالخیری پرداخته می‌شود.

/dʒei/	/deike/	/dei/	/ei/ واکهٔ مرکب بستهٔ (افراشته) غیرگرد
جایی	دقیقه	مادر	

جفت‌های کمینه:

/sei/ با، به همراه، نگاه	/si/ برای، سی	/ei/- /i/
/meigu/ میگو	/mogo/ مگو	/ei/- /o/
/tʃei/ چایی	/tʃi/ چیز، غذا	/ei/- /i/
/lou/	/souzi/	/χou/
هُل	سبزی	خواب

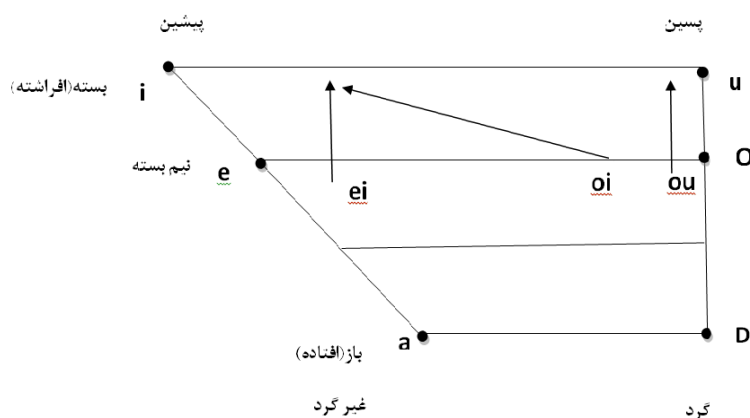
جفت‌های کمینه:

/ʔou/ آب	/ʔi/ این	/ou/- /i/
/koum/ قوم	/kam/ کم	/ou/- /a/
/rou/ حرکت، ردیف	/ri/ رو، بالا	/ou/- /i/

/boi/	/voisɒ/	/χoi/	/oi/ واکه مرکب بسته (افراشته) گرد
		تخم مرغ	
		بر می داشت، می خرید	
		نفرین، نفوس بد	

جفت‌های کمینه:

/χoi/ تخم مرغ	/χɒ/ خُب	/oi/- /ɒ/
/poi/ پای	/pɒ/ بلندشو	/oi/- /ɒ/
/boi/ نفرین، دعای بد	/be/ باشد	/oi/- /e/



شکل ۲. فضای واکه‌ای در گویش بوالخیری به روش IPA

۲-۴. واج آرایی

قواعد و قوانین مربوط به نحوه ترکیب و ترتیب واج‌های یک زبان یا گویش را واج آرایی می‌گویند. در هر گونه زبانی، واج‌ها با محدودیت‌هایی منحصر به فرد، با هم ترکیب می‌شوند (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۰: ۱۳۳). قوانین واج آرایی در گویش‌های مختلف از یک زبان خاص نیز می‌توانند متفاوت باشند. به طور کلی، قواعد واج آرایی در گویش بوالخیری، به شرح زیر است:

الف. در گویش بوالخیری، همه واژگان با همخوان (صامت) شروع می‌شوند.

ب. خوشه همخوانی آغازین در این گویش یافت نمی‌شود.

پ. در گویش بوالخیری ادای واژگان بیگانه و وارداتی (وام‌واژه‌ها) که ذاتا دارای خوشه همخوانی آغازین هستند، به صورت بومی‌سازی شده و بدون داشتن این خاصیت اعمال می‌شود؛ به نحوی که یک واکه میانجی را میان دو همخوان آغازین اعمال می‌کنند:

معنی	گویش بوالخیری	وام‌واژه‌های انگلیسی
لیوان	/gilɒs/	/glass/

بلوز	/buliz/	/blouse/
بشکه	/derom/	/drum/
لامپ	/gulup/	/glob/
ورق فلزی	/Plate/	/Peleit/

ت. در این گویش، در صورت همجواری دو واکه، یک صامت میانجی از التقای مصوت جلوگیری می‌کند. ث. از آن رو که در گویش بوالخیری، زنجیره سه‌همخوانی در هجاهای پایانی وجود ندارد، واژه‌های بیگانه دارای این ویژگی نیز بومی‌سازی می‌شوند. در این وام‌واژه‌ها یا یکی از صامت‌ها حذف می‌شود و یا یک مصوت بین دو همخوان از سه همخوان، میانجی می‌شود؛ مثلاً:

انگلیسی	گویش بوالخیری
/lustr/	لواستر /luster/
/tambr/	تامبر /tamr/

۴-۲-۱. توزیع همخوان‌ها

الف. همخوان‌های آغاز هجا:

در گویش بوالخیری، به غیر از همخوان‌های /w/، /ŋ/، مابقی همخوان‌ها در جایگاه آغازین هجا ظاهر می‌شوند. از این میان بعضی کم‌کاربردتر هستند. همخوان‌های /j/، /l/، /ʃ/، /z/ در جایگاه آغازین، کم‌تر ظاهر می‌شوند.

ب. همخوان‌های پایان هجا:

در گویش بوالخیری، به غیر از همخوان‌های /w/، /j/، /z/، /ʃ/ مابقی همخوان‌ها در جایگاه پایانی هجاها ظاهر می‌شوند. از این میان بعضی کم‌کاربردتر هستند. همخوان‌های /h/، /v/، /g/ در جایگاه پایانی کم‌تر ظاهر می‌شوند.

۴-۲-۲. توزیع واکه‌ها

الف. واکه‌ها در پایان واژگان گویش بوالخیری

کاربرد واکه‌های /u/، /i/، /v/ در پایان واژه‌های گویش بوالخیری بیش‌تر به چشم می‌خورد؛

/v/:	/kn/	/knkn/	/gv/	/xvʔv/
	کجا	برادر	گاو	خدا
/u/:	/dʒu/	/zoʔu/	/soʃu/	/sɒmu/
	زیبا	زبان	صغری	به ما
/i/:	/bi/	/hvʔi/	/heni/	/zuni/

زانو هنوز یعنی بود

بدین ترتیب واکه‌های /o/, /e/, /a/ کم‌تر در پایان واژگان کاربرد دارند؛ اما از این میان، مصوت /e/ نسبت به دیگر واکه‌های کوتاه، بیش‌تر دیده می‌شود و در ساخت صفت مفعولی و مصدر نیز در جایگاه پایانی قرار می‌گیرد:

/bord-e/ برنده‌شدن (بردن)، برده [po:t-e] پختن، پخته [dʒa:s-e] دویدن، دویده

ب. واکه‌ها در آغاز و میان واژگان گویش بوالخیری

در این گویش واکه‌ها در جایگاه آغازین قرار نمی‌گیرند؛ در واقع هر واژه هم که در گونه‌های مختلف زبان فارسی به نظر می‌رسد با واکه شروع شده است، اینگونه نیست؛ بلکه پیش از آن واکه، یک همخوان انسدادی چاکنایی /ʔ/ در جایگاه آغاز واژه می‌آید و یک قاعده کلی محسوب می‌شود؛ مثلاً /ʔour/ (بر) و /ʔi/ (این) از این گونه‌اند. در رابطه با کاربرد واکه‌ها در میان واژگان، باید بیان کرد که تمامی مصوت‌ها در جایگاه میانی پرکاربرد هستند.

۳-۴. ساختمان هجا

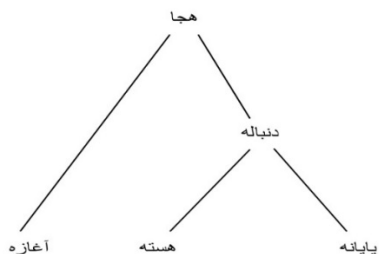
واکه‌ها و همخوان‌ها به صورت تصادفی و بدون نظم و قاعده در کنار هم قرار نمی‌گیرند. از جمیع تعاریف پذیرفته‌شده برای هجا، این است که هجا شامل یک رشته آوایی پیوسته است و از یک واکه و صفر تا چند همخوان تشکیل شده است. اجزای سازنده هجا معمولاً طی یک فرایند تولیدی بدون توقف در یک نفس تولید می‌شود (علی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۷۱-۱۷۲).

در گویش بوالخیری، همانند زبان فارسی معیار، هجاها به سه دسته کلی سبک، سنگین و فوق سنگین از لحاظ وزن هجا تقسیم می‌شوند. برای هر سه مورد می‌توان یک فرمول مشترک هجایی تعریف کرد که بتوان با آن تمام الگوهای موجود در گویش مورد پژوهش را بیان کرد:

$$\left. \begin{array}{l} \text{C: همخوان (صامت)} \\ \text{V: واکه (مصوت)} \\ \text{(C): اختیار در وجود یا عدم وجود همخوان} \\ \text{(:): اختیار در وجود یا عدم وجود کشش واکه} \end{array} \right\} \text{cv(:)(c(c))}$$

در این گویش تمامی هجاها با یک همخوان (C) آغاز می‌شوند. در هجای سبک (CV) هسته هجا با یک واکه کوتاه پر می‌شود و پایانه آن خالی است که در واقع از یک همخوان آغازین و یک واکه تشکیل می‌شود (غلامی، ۱۴۰۰). هجاها سنگین، شامل دو حالت می‌شوند؛ اول هجایی (CV:) که هسته آن با یک واکه کشیده پر می‌شود و پایانه آن خالی است. دوم هجایی (CVC) که هسته آن با یک واکه کوتاه و پایانه آن با یک همخوان

پُر شده است. در هجاهای فوق سنگین (cv:c)، (cvcc)، (cv:cc) که سه دسته کلی این نوع محسوب می‌شوند، به ترتیب از راست، در نوع اول پایانه هجا با یک همخوان و هسته آن با یک واکه کشیده پر می‌شود. دوم پایانه هجا با دو همخوان و هسته آن با یک واکه کوتاه پر می‌شود و در نوع سوم، هسته با یک واکه کشیده و پایانه با دو همخوان پر می‌شود (علی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۸۰).



شکل ۳. اجزای تشکیل‌دهنده ساختمان هجا

برای درک بهتر دسته‌بندی انواع هجاها در جدول (۱) علاوه بر دسته‌بندی اصولی، مثال‌هایی نیز از گویش بوالخیری آورده شده‌اند که قبل از اشاره به آن‌ها، بهتر است با چند مفهوم آشنا شویم. در دسته‌بندی دیگری از انواع هجاها می‌توان به هجاهای باز و هجاهای بسته اشاره کرد؛ در واقع هجاهای باز در قسمت انتهایی خود به واکه ختم می‌شوند در حالی که هجاهای بسته در قسمت انتهایی خودشان به همخوان ختم می‌شوند.

جدول ۱.

انواع هجاها در گویش بوالخیری

وزن هجا	نوع هجا	فرمول (الگو)	معنی نمونه	واج‌نویسی گویشی
هجای سبک	هجای کوتاه باز	Cv	جلو، داخل بود	/ti/ /bi/
هجای سنگین	هجای کشیده باز	Cv:	بیاور خب گاو	[bɔ:] [χɔ:] [gɔ:]
	هجای کوتاه بسته	Cvc	الاغ درخت گز	/χar/ /gez/
	هجای کشیده بسته	Cv:c	کجا است؟ دیشب	[kɔ:n] [du:j]
هجای فوق سنگین	هجای کوتاه بسته	Cvcc	سرد ترک تفاوت	/sard/ /tork/ /fark/
	هجای کشیده بسته	Cv:cc	موش بسیار خسته لب	[mo:jk] [χu:rd] [lo:ndʒ]

۴-۴. فرایندهای واجی

هنگامی که همخوان‌ها و واکه‌ها در جوار همدیگر قرار بگیرند، بر یکدیگر اثر می‌گذارند که این نمود آوایی آن‌ها است. به نمایان شدن تاثیر واج‌ها بر هم، فرایند واجی یا آوایی می‌گویند. این فرایند به صورت ناخودآگاه صورت می‌گیرد و قسمتی از دانش ناآگاهانه ما در رابطه با زبان مان است. آن‌چه اهمیت مطالعه این نوع فرایندها را نمایان می‌کند، توجه به این نکته است که این فرایندها تغییراتی در تلفظ صورت استاندارد ساخت‌های زبانی به وجود می‌آورند که درک گفتار افراد بومی را برای افراد غیر بومی دیگر مشکل می‌کند که در صدد فراگیری آن زبان هستند (علی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۹۹). در ادامه به بررسی مهم‌ترین فرایندهای آوایی گویش بوالخیری پرداخته می‌شود.

۴-۴-۱. فرایند همگونی

در برخی موارد، بر اثر مجاورت یک همخوان با همخوانی دیگر، آن همخوان پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و در عوض، مختصات آوایی همخوان مجاور را می‌گیرد (علی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۷۶). در صورتی که در این فرایند، یک همخوان کاملاً به شکل همخوان دیگر شود، به آن همگونی کامل و اگر تنها بخشی از ویژگی‌های همخوان کناری خود را بپذیرد، به آن همگونی ناقص اطلاق می‌شود؛ مانند:

همگونی کامل:	/χaste/	→	/χasse/	
	خسته		خسه	
همگونی ناقص:	/dʒanbe/	→	/dʒambe/	
	جنبه		جمبه	

می‌توان فرایند همگونی در این گویش را به دو دسته تقسیم کرد:

الف. پیش‌رو ب. پس‌رو

الف. همگونی پیش‌رو: در این نوع، یک همخوان که جایگاه نخست را دارد، ثابت می‌ماند و همخوان موجود در جایگاه دوم، دچار همگونی به همخوان قبل از خود می‌شود؛ مثلاً:

همگونی پیش‌رو:	اصلا /ʔaslan/	→	/ʔassan/	
همگونی پیش‌رو:	می‌خواستم /mixpɒstom/	→	/mixpɒssom/	

ب. همگونی پس‌رو: در این نوع، یک همخوان که جایگاه دوم را دارد، ثابت می‌ماند و همخوان موجود در

جایگاه نخست، دچار همگونی به همخوان بعد از خود می‌شود؛ مثلاً:

همگونی پسرو:	دنبه /donbe/	—————>	/dombe/
همگونی پسرو:	بدتر /badtar/	—————>	/battar/

۲-۴-۴. ابدال

گاهی در زنجیره گفتار، یک واحد زنجیری به واحد زنجیری دیگری تبدیل می‌شود بی‌آنکه بتوان برای آن در فرایندهای واجی دیگر توجیهی یافت که به این پدیده، ابدال می‌گویند (حق‌شناس، ۱۳۸۰: ۱۶۰). در این قسمت، به بررسی نمونه‌های رایجی از فرایند ابدال در این گویش پرداخته می‌شود. تبدیل واژه /a/ به /u/:

فارسی معیار		گویش بوالخیری
/navɒr/	—————>	/nuwɒr/
نوار		
/savɒd/	—————>	/suwɒd/
سواد		
/dʒavɒb/	—————>	/dʒuwɒb/
جواب		

تبدیل واژه /a/ به /o/:

فارسی معیار		گویش بوالخیری
/davɒ/	—————>	/dovɒ/
دوا		
/va/	—————>	/vo/
و		
/ʔɒχar/	—————>	/ʔɒχor/
آخر		

تبدیل واژه /a/ به /i/:

فارسی معیار		گویش بوالخیری
/kufak/	—————>	/kufik/
کوچک		
/zamin/	—————>	/zimi(n)/
زمین		
/kami/	—————>	/kimi/
کمی		
/hamin/	—————>	/himi(n)/
همین		

تبدیل واژه /a/ به /ɒ/:

فارسی معیار	گویش بوالخیری
-------------	---------------

عمه	/ʔamme/	—————>	/ʔome/
ساعت	/soʔat/	—————>	/soʔot/
یعنی	[ja:ni]	—————>	[jɔ:ni]

تبدیل واکه /a/ به /e/:

<u>فارسی معیار</u>			<u>گویش بوالخیری</u>
بله	/bale/	—————>	/bele/
زمین	/gandom/	—————>	/genom/
درخت گز	/gaz/	—————>	/gez/
کمر	/kamar/	—————>	/kemar/

تبدیل واکه /e/ به /o/:

<u>فارسی معیار</u>			<u>گویش بوالخیری</u>
بکار	/bekɔr/	—————>	/bokɔr/
بخور	/beχɔr/	—————>	/boχo(r)/
نصف	/nesf/	—————>	/nosf/
سن	/sen/	—————>	/son(d)/

تبدیل واکه /e/ به /i/:

<u>فارسی معیار</u>			<u>گویش بوالخیری</u>
بگیر	/begir/	—————>	/bigi(r)/
بسیار	/besjɔr/	—————>	/bisjɔr/
بکشی	/bekeʃi/	—————>	/bikʃi/
چطور	/ʃetour/	—————>	/ʃitour/

تبدیل واکه /e/ به /u/:

<u>فارسی معیار</u>			<u>گویش بوالخیری</u>
بگو	/begu/	—————>	/bugu/
بسوز	/besuz/	—————>	/busuz/
شش	/ʃeʃ/	—————>	/ʃuʃ/
بران	/berɔn/	—————>	/burun/

تبدیل واکه /o/ به /a/:

<u>فارسی معیار</u>		<u>گویش بوالخیری</u>
خوش /χoʃ/	—————>	/χaʃ/
چادر /tʃɒdor/	—————>	/tʃɒdar/
		تبدیل واکه /o/ به /e/:
<u>فارسی معیار</u>		<u>گویش بوالخیری</u>
مرکب /morakkab /	—————>	/merakkab/
رطب /rotab/	—————>	/retab/
		تبدیل واکه /o/ به /u/:
<u>فارسی معیار</u>		<u>گویش بوالخیری</u>
رسوا /rosɒ/	—————>	/rusɒ/
کرسی /korsi/	—————>	/kursi/
		تبدیل واکه /o/ به /ɒ/:
<u>فارسی معیار</u>		<u>گویش بوالخیری</u>
پمپ /pomp/	—————>	/pɒmp/
سس /sos/	—————>	/sɒs/
		تبدیل واکه /ɒ/ به /o/:
<u>فارسی معیار</u>		<u>گویش بوالخیری</u>
لاور /lɒwar/	—————>	/lowar/
مايه /moje/	—————>	/moje/
پايه /poje/	—————>	/poje/
دانگ /doŋ/	—————>	/doŋ/
پاييز /poʔiz/	—————>	/poʔiz/
مانده /monde/	—————>	/monde/
		تبدیل واکه /ɒ/ به /e/:
<u>فارسی معیار</u>		<u>گویش بوالخیری</u>
پاره‌ای /pɒreʔi/	—————>	/perei/
باشيم /bɒʃim/	—————>	/befim/
چايی /tʃɒʔi /	—————>	/tʃei/

ماه‌ی /mɒhi/ → /mei/
تبدیل واکه /ɒ/ به /u/:

فارسی معیار		گویش بوالخیری
باران /bɒrɒn/	→	/bɒru(n)/
بیگانه /bigɒne/	→	/bigune/
جامه /dʒɒme/	→	/dʒume/
نان /nɒn/	→	/nu(n)/

تبدیل واکه /i/ به /u/:

فارسی معیار		گویش بوالخیری
دیوار /divar/	→	/duwɒr/
گلی /geli/	→	/gelu/
خاکی [χp:ki]	→	[χa:ku]

تبدیل واکه /u/ به /i/:

فارسی معیار		گویش بوالخیری
رو /ru/	→	/ri/
مو /mu/	→	/min/
کوچه /kufɛ/	→	/kitfɛ/
خون /χun/	→	/χin/

تبدیل زنجیره واکه - همخوان مختوم به /b/ به واکه مرکب:

فارسی معیار		گویش بوالخیری
شب /ʃab/	→	/ʃou/
آب /ʔɒb/	→	/ʔou/
خواب /χɒb/	→	/χou/
تب /tab/	→	/tou/

تبدیل همخوان‌های /h/, /t/, /ʃ/ به همخوان /χ/:

فارسی معیار		گویش بوالخیری	تبدیل همخوان
باغ /bɒχ/	→	/bɒχ/	/ʃ/ ⇒ /χ/
مرغ /morχ/	→	/morχ/	/h/ ⇒ /χ/

پرت /part/	—————>	/perχ/	/t/ → /χ/
/behtar/	—————>	/beχtar/	/h / → /χ/
بہتر			

تبدیل همخوان /k/ به همخوان /g/:

<u>فارسی معیار</u>		<u>گویش بوالخیری</u>
دکل /dakal/	—————>	/degal/
/doktor/	—————>	/dogtor/
دکتر		
اکبر /ʔakbar/	—————>	/ʔagbar/

تبدیل همخوان /b/ به همخوان های /p/, /ʔ/

<u>فارسی معیار</u>		<u>گویش بوالخیری</u>	<u>تبدیل همخوان</u>
تابلو /tɒblo/	—————>	/tɒplo/	/b/ → /p/
تنبل /tambal/	—————>	/tampal/	/b/ → /p/
چوبی /tʃubi/	—————>	/tʃuʔi/	/b/ → /ʔ/
خوبی /χubi/	—————>	/χuʔi/	/b/ → /ʔ/

تبدیل همخوان /d/ به همخوان های /j/, /t/

<u>فارسی معیار</u>		<u>گویش بوالخیری</u>	<u>تبدیل همخوان</u>
خدا /χɔdɒ/	—————>	/χɔjɒ/	/d/ → /j/
آماده /ʔɒmɔde/	—————>	/ʔɒmjɛ/	/d/ → /j/
رشد /roʃd/	—————>	/roʃt/	/d/ → /t/
گدا /gedɒ/	—————>	/gejɒ/	/d/ → /j/

تبدیل همخوان /b/ به همخوان /v/

<u>فارسی معیار</u>		<u>گویش بوالخیری</u>
خراب /χarɒb/	—————>	/χerɒv/
آباد /ʔɒbɔd/	—————>	/ʔɒvɔd/
چرب /tʃarb/	—————>	/tʃarv/
خبر /χabar/	—————>	/χevar/

تبدیل همخوان های /q/ و /ɣ/ به همخوان /k/

فارسی معیار	گویش بوالخیری	تبدیل همخوان
سراغ /sorɒɣ/	→ /sorɒk/	/ɣ/ → /k/
قدیم /qadim/	→ /kedim/	/q/ → /k/
حق /haq/	→ /hak/	/q/ → /k/
قرص /qors/	→ /kors/	/q/ → /k/

تغییرات همزمان دو واکه متفاوت در یک واژه:

فارسی معیار	گویش بوالخیری	تبدیل همخوان			
زانو /zɒnu/ →	/zuni/	<table border="0"> <tr><td rowspan="2">{</td><td>/ɒ/ → /u/</td></tr> <tr><td>/u/ → /i/</td></tr> </table>	{	/ɒ/ → /u/	/u/ → /i/
{	/ɒ/ → /u/				
	/u/ → /i/				
چطور /ʃɛtour/ →	/ʃitar/	<table border="0"> <tr><td rowspan="2">{</td><td>/e/ → /i/</td></tr> <tr><td>/ou/ → /a/</td></tr> </table>	{	/e/ → /i/	/ou/ → /a/
{	/e/ → /i/				
	/ou/ → /a/				
گران /garɒn/ →	/giru(n)/	<table border="0"> <tr><td rowspan="2">{</td><td>/a/ → /i/</td></tr> <tr><td>/ɒ/ → /u/</td></tr> </table>	{	/a/ → /i/	/ɒ/ → /u/
{	/a/ → /i/				
	/ɒ/ → /u/				

تغییرات همزمان همخوان‌ها باهم و واکه‌ها باهم:

فارسی معیار	گویش بوالخیری	تبدیل همزمان همخوان و واکه				
کدو /kedu/ →	/kuʔi/	<table border="0"> <tr><td rowspan="3">{</td><td>/d/ → /ʔ/</td></tr> <tr><td>/e/ → /u/</td></tr> <tr><td>/u/ → /i/</td></tr> </table>	{	/d/ → /ʔ/	/e/ → /u/	/u/ → /i/
{	/d/ → /ʔ/					
	/e/ → /u/					
	/u/ → /i/					
هجده /hedʒda/ →	/haʒde/	<table border="0"> <tr><td rowspan="3">{</td><td>/e/ → /a/</td></tr> <tr><td>/dʒ/ → /ʒ/</td></tr> <tr><td>/a/ → /e/</td></tr> </table>	{	/e/ → /a/	/dʒ/ → /ʒ/	/a/ → /e/
{	/e/ → /a/					
	/dʒ/ → /ʒ/					
	/a/ → /e/					

۳-۴-۴ حذف

در بعضی موارد ممکن است گروه چندصامتی و یا چندمصوتی شکسته و یک صامت حذف شود که در نتیجه آن فرایند ساخت هجایی، ساده‌شدن هجای پیچیده می‌باشد (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۰: ۱۵۱). از جمله فرایندهایی که کاربرد فراوانی در گویش بوالخیری دارد، حذف است که در ادامه به انواع آن اشاره می‌شود. حذف همخوان /t/ از پایان خوشه دو همخوانی CC - :

فارسی معیار		گویش بوالخیری
پوست /pust/	→	/pus/
راست /rɒst/	→	/rɒs/
ماست /mɒst/	→	/mɒs/
درست /dorost/	→	/doros/

حذف همخوان /n/ از پایان واژه، زمانی که یک واکه کشیده پیش از آن آمده باشد:

فارسی معیار		گویش بوالخیری
زمین /zamin/	→	/zimi/
ارزان /ʔarzon/	→	/ʔarzu/
باران /bɒrɒn/	→	/bɒru/
زبان /zabɒn/	→	/zoʔu/

حذف همخوان /h/ از واژگان معیار:

فارسی معیار		گویش بوالخیری
کاه /kɒh/	→	/ka/
راه /rɒh/	→	/ra/
کوه /kuh/	→	/ko/
تنها /tanhɒ/	→	/tanɒ/

حذف همخوان /d/ از واژگان معیار:

فارسی معیار		گویش بوالخیری
دید /did/	→	/di/
رید /rid/	→	/ri/
داد /dɒd/	→	/dɒ/
مدرسه /madrese/	→	/mar(e)se/

حذف همخوان /z/ از واژگان معیاری که قبل از آن واکه کشیده وجود داشته باشد:

فارسی معیار		گویش بوالخیری
چیز /tʃiz/	→	/tʃi/
امروز /ʔemruz/	→	/ʔomru/
دیروز /diruz/	→	/diru/

حذف همخوان /v/ از واژگان معیار:

فارسی معیار		گویش بوالخیری
گاو /gɒv/	→	/gɒ/

حذف همخوان /l/ از واژگان معیار:

<u>فارسی معیار</u>	<u>گویش بوالخیری</u>
مثل /mesl/	/mes/

حذف همخوان /b/:

<u>فارسی معیار</u>	<u>گویش بوالخیری</u>
خب /χob/	/χo/
مرتبه /martebe/	/marte/
خوب /χub/	/χu/

حذف همخوان /m/:

<u>فارسی معیار</u>	<u>گویش بوالخیری</u>
چشم /tʃaʃm/	/tʃeʃ/

حذف واژه /v/ در ابتدای واژه:

<u>فارسی معیار</u>	<u>گویش بوالخیری</u>
آتش /ʔataʃ/	/taʃ/

حذف همخوان /r/ از واژگان معیار:

<u>فارسی معیار</u>	<u>گویش بوالخیری</u>
آخر /ʔaxar/	/ʔaxo/
بگیر /begir/	/bigi/
بخور /boxor/	/boxo/
بیاور /bijor/	/bijɔ/

حذف همخوان /h/ از نشانه جمع واژگان معیار:

<u>فارسی معیار</u>	<u>گویش بوالخیری</u>
گلها /golhɔ/	/golɔ/
مردها /mardhɔ/	/mardɔ/
کتابها /ketɔbhɔ/	/ketɔbɔ/
کشکها /kaʃkhɔ/	/kaʃkɔ/

۴-۴-۴. فرایند ابدال و حذف به صورت همزمان به روی برخی واژگان

<u>فارسی معیار</u>	<u>گویش بوالخیری</u>	<u>ابدال و حذف همزمان</u>
--------------------	----------------------	---------------------------

فایده /fojde/	→	/foje/	}	/v/ → /o/
				/d/ حذف
هنوز /hanuz/	→	/heni/	}	/a/ → /e/
				/u/ → /i/
				/z/ حذف

۴-۴-۵. افزایش (اضافه)

گاهی تحت شرایطی یک واکه یا همخوان به اصل واژگان اضافه می‌شود که این فرایند را اضافه (افزایش) می‌خوانیم (حق شناس، ۱۳۸۰: ۱۵۹).

افزایش همخوان‌های /t/, /d/ به پایان برخی واژگان

فارسی معیار	گویش بوالخیری
بالش /bɒleʃ/	→ /bɒleʃt/ /t/ افزایش
خورش /χoreʃ/	→ /χoreʃt/ /t/ افزایش
پسین /pasin/	→ /pesind/ /d/ افزایش
سن /sen/	→ /sond/ /d/ افزایش

افزایش (اضافه) واکه /u/ به پایان برخی واژگان:

فارسی معیار	گویش بوالخیری
بیشتر /biʃtar/	→ /biʃtaru/ /u/ افزایش
کریم /karim/	→ /kerimu/ /u/ افزایش
مجید /madʒid/	→ /medʒiju/ /u/ افزایش

۴-۴-۶. قلب

هرگاه با توجه به هم‌نشینی دو همخوان و تاثیرات متقابل، جای همخوان‌ها عوض شود، فرایند قلب رخ می‌دهد. طی این فرایند همخوان اول، جای دومی و همخوان دوم جای اولی را می‌گیرد (زمردیان، ۱۳۸۰: ۴۲). در فرایند قلب، ممکن است همخوان‌ها پشت سر هم نباشند؛ بلکه بین آن‌ها فاصله افتاده باشد. در ادامه، نمونه‌هایی از فرایند قلب در گویش بوالخیری ارائه می‌شوند که همگی از نوع قلب نزدیک هستند.

فارسی معیار	گویش بوالخیری
مسخره /masχare/	→ /maχsere/
سطل /satl/	→ /salt/
عدل /ʔadl/	→ /ʔald/

۵. نتیجه‌گیری

گویش بوالخیری دارای ۲۵ همخوان و ۹ واکه است. همخوان‌ها در گویش بوالخیری از نوع ششی هستند. همخوان‌ها: /p, b, t, d, k, g, f, v, s, z, ʃ, ʒ, tʃ, dʒ, χ, γ, m, n, ŋ, l, r, w, j, h, ʔ/ واکه‌ها دارای دو نوع ساده و مرکب هستند:

واکه‌های ساده: /i, e, a, v, o, u/

واکه‌های مرکب: /ei, oi, ou/

استخراج این همخوان‌ها و واکه‌ها در گویش بوالخیری با استفاده از پیکره‌های زبانی و داده‌های پژوهش و با ارائه جفت‌های کمینه حاصل شد. در این گویش، دو همخوان /w, ŋ/ علاوه بر همخوان‌های فارسی معیار وجود دارند. در این گویش پرتکرارترین فرایندهای واجی همگونی، ناهمگونی، حذف، افزایش، قلب و ابدال هستند و همه هجاها با همخوان آغاز می‌شوند. هر واژه‌ای که در نگاه اول نیز به نظر می‌رسد با واکه آغاز شده، هم در واقع با همخوان /ʔ/ (انسدادی-چاکنایی بی‌واک که معادل همزه است) شروع شده است.

دو همخوان در این گویش نمی‌توانند در آغاز هجا در کنار هم قرار بگیرند و تحت تاثیر این قاعده، واژگان باستان و یا وارداتی دارای این ویژگی نیز بومی‌سازی می‌شوند و یک واکه مابین دو همخوان میانجی می‌شود:

/klas/ → /kelas/

در این گویش همانند فارسی معیار، واژگان به بیش‌تر از دو همخوان ختم نمی‌شوند. طبق این قاعده، گویشوران وام‌واژه‌های وارداتی و غیر بومی که در پایان خود بیش از دو همخوان دارند را بومی‌سازی کرده و یک واکه میانجی می‌آورند: /lustr/ → /luster/

ساختمان هجا در گویش بوالخیری، به سه دسته کلی از نظر وزن هجا تقسیم می‌شود: هجاهای سبک: (CV) هجاهای سنگین: (CV:) و (CVC) هجاهای فوق سنگین: (CV:C) و (CVCC) و (CV:CC)

برای اجماع این هجاها در گویش بوالخیری می‌توان یک فرمول کلی بیان کرد: CV(:)(C(C)) همچنین در رابطه با کم‌کاربردترین الگوی هجایی در این گویش، می‌توان به (CV:CC) اشاره کرد و پرکاربردترین الگوی ساخت هجایی در گویش مورد بررسی CV است.

منابع

- باباسالاری، زهرا، حیدر یزدان‌شناس، محمدحسین شرف‌زاده، و سعید یزدانی (۱۳۹۸). بررسی واژه‌بست در گویش تنگستانی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۲۹، صص. ۱۷۷-۲۰۲.
- پوراابراهیم، شیرین و محمدمهدی واحدی لنگرودی (۱۳۹۲). توصیف و بررسی دستگاه فعل در گویش دلواری. *ویژه‌نامه فرهنگستان: زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، ۲، صص. ۱۰۷-۱۲۳.
- ثمره، یدالله (۱۳۶۴). *آواشناسی زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حاجیانی، فرخ (۱۳۸۷). *توصیف دستگاه واجی گویش تنگستانی*. *گویش‌شناسی*، ۷، صص. ۹۲-۱۰۶.

- حق شناس، علی محمد (۱۳۸۰). *آواشناسی (فونتیک)*. تهران: آگاه.
- خلیلی، محبوبه (۱۳۹۰). *بررسی توصیفی- در زمانی دستگاه واجی و صرف اسم و فعل در گویش تنگسیری*. پایان نامه کارشناسی ارشد. همدان: دانشگاه بوعلی.
- زمردیان، رضا (۱۳۸۰). *گردآوری و توصیف گویش‌ها*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- زنده‌بودی، حسین (۱۳۸۳). *فرهنگ، ادب و گویش تنگسیری*. بوشهر: انتشارات بوشهر.
- علی‌نژاد، بتول (۱۳۹۸). *مبانی واج‌شناسی*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- غلامی، سهراب (۱۴۰۰). *بررسی زبان‌شناسی گویش تنگسیری (بوالخیری): آواشناسی، ساخت‌واژه، نحو، ریشه‌شناسی و کنکاش در واژگان منتخب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۹). *راهنمای گردآوری گویش‌های ایرانی*. تهران.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالییه و شیرین ممسنی (۱۳۸۵). *توصیف دستگاه واجی گویش دلواری. زبان و زبان‌شناسی*، ۲، صص. ۹۳-۷۷.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۰). *ساخت آوایی زبان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- نعمتی، فاطمه و سیما نوروزی (۱۳۹۴). *حرف‌اضافه سی در دلواری: بازمانده‌ای از حروف اضافه فارسی باستان یا سرانجام دستورشده‌گی اسم؟. زبان‌شناسی تطبیقی*، ۹، صص. ۲۴۳-۲۲۷.
- هایمن، لاری. ام. (۱۳۶۸). *نظام آوایی زبان: نظریه و تحلیل*. مترجم: یدالله ثمره. تهران: امیرکبیر.
- واحدی لنگرودی، محمدمهدی و شیرین ممسنی (۱۳۸۳). *بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری. گویش‌شناسی*، ۳، صص. ۸۱-۶۴.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۶۴). *درآمدی به آواشناسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یزدان‌شناس، حیدر (۱۳۸۴). *بررسی زبان‌شناختی گویش تنگستانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.

پیوست

مشخصات گویشوران پژوهش:

- (۱) حسن دریانوردی، متولد روستای بوالخیر، ۶۸ ساله، ساکن روستای بوالخیر.
- (۲) علیرضا جمهوری، متولد روستای بوالخیر، ۶۶ ساله، ساکن روستای بوالخیر.
- (۳) حیدر کارگر، متولد روستای بوالخیر، ۶۶ ساله، ساکن روستای بوالخیر.
- (۴) رحیمه صفری، متولد روستای بوالخیر، ۶۴ ساله، ساکن روستای بوالخیر.
- (۵) خیری راستگو، متولد روستای بوالخیر، ۶۴ ساله، ساکن روستای بوالخیر.
- (۶) محمد خلیلی، متولد روستای بوالخیر، ۶۱ ساله، ساکن روستای بوالخیر.
- (۷) امینه راستگو، متولد روستای بوالخیر، ۶۱ ساله، ساکن روستای بوالخیر.
- (۸) علی خلیلی، متولد روستای بوالخیر، ۳۲ ساله، ساکن روستای بوالخیر.
- (۹) عبدالرضا غریبی، متولد روستای بوالخیر، ۳۱ ساله، ساکن بوشهر.